

مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل
وابسته به سازمان فرهنگی تفریحی
شهرداری اصفهان برگزار می کند:

کاوش باستان شناسی در محل

کاخ چهارباغ

و ورودی

خیابان چهارباغ

ضرورت انجام باستان شناسی شهری در اصفهان

سه شنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۶
ساعت ۱۸ الی ۲۰
با سخنرانی دکتر
علی شجاعی اصفهانی
استادیار دانشگاه هنر اصفهان



خیابان باغ گلدسته، سالن همایش های
کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان
www.cois.ir / ۳۲۲۴۵۱۸۴

آپارات: Aparat.com/s.farhangi | رایانامه: info@esfahanfarhang.ir | تلفن تماس: ۳۲۶۵۸۵۶۶ | سامانه پیامک: ۳۰۰۰۴۸۴۵

وب سایت: www.esfahanfarhang.ir | تلگرام: @isfahanfarhang | اینستاگرام: isfahanfarhang

سورة

همانگونه که از عنوان صحبت‌ها مشخص است قرار است راجع به کاوش باستان‌شناسی در بخشی از دولتخانه صفوی و خیابان چهارباغ صحبت کنیم، همینطور در یک مقیاس بزرگتر به ضرورت پرداختن به چنین برنامه‌هایی در شهر اصفهان بپردازیم. اهمیت باستان‌شناسی در شهر باستانی اصفهان به واسطه جایگاه بسیار مهمی است که اصفهان نه تنها در ایران که در کل جهان اسلام به ویژه در دوره اسلام داشته است. اگر منابع تاریخی را بررسی کنیم می‌بینیم یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که در گذشته در کتاب‌های جغرافیایی صورت می‌گرفته بدین صورت بوده است که ما یک ایران شرقی داشته ایم و یک ایران غربی و این تقسیم‌بندی‌ها بعدها مورد توجه شرق‌شناسان و ایران‌شناسان هم قرار گرفت و آنها در بسیاری از تحلیل‌های هنری و تاریخی خود از این موضوع استفاده می‌کنند، مهم این‌که در بخش شرق ما خراسان را داریم با مرکزیت نیشابور و در بخش غرب ما جبال یا عراق عجم را داریم به مرکزیت اصفهان یعنی تنها شهر مهم قسمت غربی ایران شهر اصفهان است و در کل کشور ایران بعد از نیشابور از اصفهان به عنوان بزرگترین شهر ایران نام برده شده است به خصوص در دوره قبل از دوره مغول و اگر به متون دقت کنیم می‌بینیم صفت‌هایی که برای شهر اصفهان به کار برده شده است بدین شکل است: ناف عراق، گنجینه عراق، اعظم بلاد عراق، چشم سرزمین بلاد و یا اشتهر بلاد جبال. اهمیت شهر اصفهان به چند دلیل بوده است و مهم‌ترین آن شرایط جغرافیایی اصفهان بوده است که گذشتگان ما توانسته‌اند این شرایط جغرافیایی را بالفعل کنند، یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص اصفهان شرایط آب و هوایی این شهر است و اگر منابع تاریخی را بررسی کنیم همه به برتری آب و هوای اصفهان نسبت به سایر مناطق اشاره کرده‌اند. یکی دیگر از ویژگی‌های اصفهان مرکزیت شهر اصفهان در ایران است و در نقشه قدیمی که مشاهده می‌کنیم تنها نام اصفهان در هر ۴ قسمت بیان شده است و این مرکزیت پتانسیل‌های خاصی برای این شهر به ارمغان آورده است برای مثال از اصفهان به عنوان بارکده یاد شده است یعنی کاروان‌ها وارد شهر می‌شده‌اند و بارها در این شهر جمع‌آوری می‌شده‌اند یا به سایر نقاط پخش می‌شده‌اند. مرکزیت اصفهان باعث شده دسترسی به این شهر نیز آسان شده باشد برای مثال فاصله‌ای که برای اصفهان ذکر شده تا عسکر مکرّم یا همدان یا فارس فاصله‌ای یکسان است و دسترسی آسان به این شهر باعث تمایز این شهر از سایر شهرها شده است.

در تقسیم بندی های گذشته تمامی منطقه قابل سکونت جهان به ۷ بخش، کشور یا اقلیم تقسیم می شده که مرکز آنها ایران است این تقسیم بندی که ریشه آن به قبل از اسلام برمی گردد اما در دوره اسلام افراد مهمی همچون ابوریحان هم به آن اشاره کرده اند و جالب اینکه مرکز این اقلیم در بین دو نقطه مورد بحث بوده است که برخی محققین اصفهان را مرکز ۴ اقلیم گفته اند و برخی بغداد را مرکز ۴ اقلیم دانسته اند.

اصفهان اصولاً با بغداد که مرکز خلافت بوده است مقایسه می شده است و متون زیادی مبتنی بر مناظره بین اصفهان و بغداد وجود دارد که هر شهر سعی دارد زیبایی و برتری خود را به رخ بکشد.

یکی دیگر از ویژگی اصفهان استمرار حیات پایدار در این شهر است چه قبل از مغول و چه بعد از مغول. شهرهایی همچون ری و نیشابور از شهرهای مهم بودند که بعد از حمله مغول دیگر نتوانستند شکوه خود را به دست بیاورند و شهرهایی همچون مراغه و تبریز بعد از حمله مغول به شکوه و جلال دست پیدا کردند، اما شهر اصفهان تنها شهری است که هم قبل از حمله مغول هم بعد از حمله مغول شکوه و جلال خود را حفظ کرده است و همیشه جز مراکز نخست و مهم شهر ایران بوده است برای مثال مستوفی در نزهت القلوب راجع به باروی شهرها صحبت کرده است و اگر ابعاد باروها را با هم مقایسه کنیم میبینیم ابعاد باروی اصفهان بعد از باروی سلطانیه که مرکز و پایتخت ایلخانان بوده بیشترین مسافت را داشته است. این اهمیت اصفهان باعث شده که نام اصفهان در اکثر منابع ذکر شده باشد و تمامی منابع به بهانه های مختلف به اصفهان اشاره کرده باشند و این یک فرصت بسیار خوب را برای محققین فراهم آورده است که بتوانند یک سری از ویژگی های شهری را از بین نوشته های دانشمندان قدیمی استخراج کنند و ما توانسته ایم در مقیاس های مختلف چه مقیاس کلان و چه مقیاس خرد اطلاعات خوبی از اصفهان داشته باشیم.

محدوده رستاق اصفهان شامل رستاق جی و یهودیه است و دو شهر یهودیه و جی از شهرهای مهم اصفهان بوده است، در دوره صفویه اطلاعات ما دقیق ترمی شود زیرا در آن زمان با توصیفات سیاحان اروپایی از شهر اصفهان روبرو هستیم حتی در موارد خاص در محدوده دولتخانه یا محدوده چهارباغ می توانیم به صورت پلاک به پلاک شهر را از نظر بنا و آثار تاریخی مورد بررسی قرار دهیم.

در اینجا بنده فقط از دو شهر یهودیه و جی صحبت کردم اما باید بدانیم که اصفهان در قبل از اسلام شامل ۷ بخش یا شهر بوده است که اطلاعات ما تنها نسبت به شهر جی کامل است. شهری به نام قه که شهر دوم اصفهان در زمان ساسانی بوده است و شاید مکان آن قهجاورستان امروز است و یا شهر ماریین که تاریخی اسطوره ای دارد و ما تنها در منطقه ماریین به دنبال این شهر هستیم و یا شهرهای دوره اسلامی مثل شهرهای خان لنگان و یا شهر فیروزان و یا شهر اشترجان که محدوده جغرافیایی آن را می دانیم و هیچ اطلاعاتی نسبت به اینها نداریم.

در دوره اسلامی نه تنها شهر مهم بوده بلکه حومه شهرها نیز حائز اهمیت بوده اند و اصولاً پادشاهان کاخ ها و ساختمان های اصلی خود را در خارج از محدوده دیوار شهری می ساخته اند که شاید یکی از دلایل آن این بوده که می خواسته اند از هیاهوی شهر به دور باشند.

در اینجا به دو توصیف از شهر اصفهان اشاره می کنیم یکی مقدسی است جغرافی دان معروف جهان اسلام که در سال ۳۷۵ این کتاب را نوشته است و اصفهان را اینگونه توصیف کرده است: شهری پر جمعیت تر از اصفهان نشنیده و در تمام جهان اسلام خاکی بدین خوبی نیافته ام.

چند دهه بعد در زمان طغرل سلجوقی ناصر خسرو که از اصفهان بازدید می کند چنین می نویسد: در همه زمین پارسی گویان شهری نیکوتر و جامع تر و آبادان تر از اصفهان ندیده ام و شهری پر جمعیت تر از ایشان نیافته ام. لازم است بدانید این توصیف مربوط به زمانی است که شهر اصفهان هنوز به پایتختی در زمان سلجوقیان انتخاب نشده بود و بعد از دوره مغول آقای مستوفی توصیفی دارد راجع به روستاهایی که اطراف اصفهان هستند و اینچنین می گوید: و این دیه ها که معظم قریه می خوانیم در دیگر ولایات شهر خوانند زیرا که در هر یک از آنها کم و بیش هزار خانه باشد و بازار و مساجد و مدارس و خانقاهات و حمامات دارد. این توصیف نشان می دهد که بعضی از روستاهای اطراف اصفهان قابلیت شهر را داشته اند اما همه این ها زیر سایه عظمت اصفهان بوده اند و ما آنها را به عنوان روستا می شناخته ایم.

اگر آثاری که قبل از دوره صفوی باقی مانده است را بررسی کنیم شاید تعداد آنها به ۲۰ عدد برسد و یا اگر بناهای دوره صفوی را بررسی کنیم می بینیم با آنچه در متون و نقشه ها و کروکی ها است هم خوانی ندارد و به واقع می توانیم بگوییم مشتی در برابر خروار است و عمده این بناها به دلایل طبیعی یا تاریخی و یا انسانی تخریب شده و ما به واقع با تعداد انگشت شماری از این بناها مواجه هستیم و متأسفانه بقایای این بناها که در لایه های زیرین شهر ما بوده با

اقدامات به اصطلاح عمرانی از بین رفته اند و آنچه از حمله مغول و تیمور و افغان ها به جای مانده بود و ما می توانستیم به واسطه آنها تحقیقات و کاوش های خود را تکمیل کنیم به طور کامل از بین رفت. اما باید بدانیم که این اتفاق در کشورهای اروپایی نیز افتاده است و قبل از کاوش های باستان شناسی بسیاری از بقایای باستانی آنها نیز به واسطه شهرسازی و فعالیت های عمرانی از بین رفته است، اما آنها به این نتیجه رسیده اند که این کار را متوقف کنند و ابتدا به شناسایی آثار ارزشمند باستانی خود پردازند. اگر بخواهیم به تاریخ باستان شناسی شهری اشاره کنیم می توانیم به شهرهای هرکولانیوم و پمپئی اشاره کنیم که اینها به صورت اتفاقی در اروپا پیدا شدند و در ابتدا مورد غارت قرار گرفتند و سال ها طول کشید تا این آثار طبقه بندی شده و در بستر خود مورد مطالعه قرار گرفتند.

در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ باستان شناسی هایی که در اروپا انجام می گرفت بیشتر نگاهشان به باستان شناسی در یونان و رم بود و خاستگاه باستان شناسی این دو کشور بود موضوع دیگر، کاوش هایی بود که در مناطق بین النهرین انجام می دادند شامل کشورهای همچون ایران عراق و مصر و بخاطر رقابتی که با یکدیگر داشتند و سلطه استعماری که بر این مناطق پیدا کرده بودند عمده تلاششان این بود که آثار را از این مناطق غارت کنند و موزه های خود را با آثار این مناطق پر کنند و زیاد به شهرهای شاخص خود در اروپا توجهی نداشتند تا اینکه در اواسط قرن ۱۹ میلادی اعتراضاتی نسبت به روند شهرسازی و تخریب در شهرهای اروپا شکل گرفت از جمله معترضان به این امر می توان به ویکتور هوگو رمان نویس فرانسوی اشاره کرد که از ایشان دو بیانیه با این مضمون به چاپ رسیده است که در آن خواستار وضع قوانین برای حفظ بناها و توقف آنچه او قطع عضو شهرهای فرانسه می داند شده است و یا شخص دیگری به نام چارلز اسمیت که یک مجموعه دار انگلیسی است و ایشان گلایه می کند که چرا در پایتخت های کشورهای اروپا مانند لندن و پاریس امکان دیدن شواهد کهن برای ما مهیا نیست و اینکه چرا امکان فعالیت های باستان شناسی در این شهرهای کهن وجود ندارد و چرا مردم به موضوع صنعت و توسعه شهری پرداخته اند.

تا اینکه در قرن ۱۹ میلادی شواهدی از زندگی شهری در شهرهای لندن و اسلو به دست می آید البته نه توسط باستان شناسان بلکه توسط پیمانکارانی که کارهای شهرسازی را انجام می دادند و اتفاق دیگری که صورت گرفت جنگ جهانی دوم است که باعث تخریب عمده شهرها

می شود و این اتفاقات یک حسن دارد و آن این است که باعث شد لایه های فرهنگی زیرین این شهرها آشکار شود و این امر باعث شد باستان شناسان توجه بیشتری به خود منطقه اروپا بکنند و راه برای حضور باستان شناسان در حوزه شهری فراهم شود تا اینکه در دهه ۶۰ یونسکو بر اهمیت محوطه های تاریخی شهری و لزوم حفظ آن در مقابل خطرات و آسیب های مربوط به صنعت و گسترش شهرها تاکید کرد. شواهد تاریخی شهر هم زمان با پدیده اجتناب ناپذیر توسعه شهری حفظ و مراقبت شود و برای چالش های پیش رو راه حلی در نظر گرفته شود.

از جمله انجمن های دیگری که در این حوزه فعال بود شورا اروپا است که یکی از اهداف اصلی این شورا ارتقا آگاهی و ارج نهادن هویت فرهنگی اروپا و تنوع آن بود و به همین خاطر آنها وارد این حوزه باستان شناسی شهری شدند و سعی کردند یک سری قوانین و مقررات را تدوین کنند که نه تنها برای خود اروپا کاربرد داشته باشد بلکه بتوان این قوانین را در حوزه جهانی به کار برد. با توجه به فعالیت های انجام شده شهر به عنوان واحدی جغرافیایی در نظر گرفته شد نه صرفاً مجموعه ای از عناصر معماری.

امروزه به باستان شناسی شهری توجهی ویژه شده است نه تنها در اروپا بلکه در کشورهای همسایه ما، و آن را بخش مهمی از توسعه شهری می دانند در این جا به یک مثال اشاره می کنیم و یک سایت فرانسوی را با رویکرد باستان شناسی شهری به شما معرفی میکنم این سایت که در رابطه با شهر پاریس است در دوره ای که شهر پاریس زیر نظر شهر رم بوده است. این سایت زیر نظر اداره فرهنگ فرانسه است و در این سایت به واسطه تصویرسازی های سه بعدی که از بافت این شهر در آن زمان انجام شده می توانید اطلاعات مورد نیاز خود را به راحتی به دست بیاورید. به طور خاص موزه ای در شهر پاریس است که داده هایی بر پایه باستان شناسی شهری دارد و گاهی این داده ها به قدری زیاد است که آنها را تقسیم بندی می کنند اما فایده این کار برای شهر پاریس چیست؟ این کار فایده های زیادی دارد اما مهم ترین آن این است که به طور دقیق می دانند از ۴ هزار سال پیش تا به امروز دوره تاریخی دارند.

این فعالیت ها تنها مختص که به کشور فرانسه نیست و سایر کشورها را نیز فعالیت های شایان توجهی در این زمینه انجام داده اند برای مثال کشور ترکیه در همسایگی ما.

در بررسی منطقه جهان نما سعی بر آن بوده که یک رویکرد همه جانبه را مدنظر داشته باشیم یعنی در کنار کاوش میدانی که صورت گرفت سعی کردیم تمامی منابع مکتوب و شفاهی

را نیز مورد بررسی قرار دهیم و با باستان شناسی بنا، مطالعات سنجش از دور یا نزدیک و یا مطالعات آزمایشگاهی بتوانیم حداکثر اطلاعات ارزشمند را از این منطقه که بخشی از دولتخانه صفوی بوده است را به دست بیاوریم و لازم بذکر است مطالعه ما همچنان ادامه دارد و همچنان روی برخی از داده ها در حال کار هستیم .

اگر در رابطه با محوطه جهان نما به اسناد تاریخی اشاره کنیم نخستین کسی که به این اثر اشاره کرده آقای دلابلن سیاح معروف ایتالیایی است که در زمان خود شاه عباس از این کاخ به عنوان یک خانه کوچک ۴ گوش نام برده است که تزیینات آن را توصیف کرده و به در و پنجره ها و ایوان های زیاد بنا اشاره کرده و کارکرد بنا را برای مشاهد مناظر چهارباغ دانسته است. بعد از ایشان سیاحانی همچون تاورمیه، دلان و شاردن توصیف هایی از این کاخ دارند. کاخ در ابتدای خیابان چهارباغ قرارداد و متصل به عمارتهای سلطنتی است مثلاً بیان کرده اند که تنها شاه و خانواده او امکان ورود از کاخ به خیابان چهارباغ را داشته اند و بقیه افراد بایستی از در دیگری در جوار خیابان وارد خیابان چهار باغ شوند و گفته اند دید کاخ تنها از داخل است و خارج از کاخ کسی امکان رویت داخل کاخ را ندارد و این به دلیل کارکرد کاخ و حضور زنان داخل کاخ است. در کورویکی هایی که کنفر ترسیم کرده است و در ده سال اخیر شناسایی شده می توانیم کاخ جهان نما را بینیم همچنین در یک تصاویر مانند سفرنامه گودائن در دهه اول قرن ۱۸ تصویری می بینیم که کاخ جهان نما در ابتدای خیابان چهار باغ است. در بین عکس های تاریخی که در دوره قاجار تهیه شده است ما تا کنون موفق به شناسایی ۷ قطعه عکس در رابطه با کاخ جهان نما شده ایم و احتمال داده ایم قدیمی ترین عکس مربوط به عکاسی هولستر است که از خیابان چهارباغ عکاسی کرده و ما در انتهای خیابان چهارباغ می توانیم کاخ جهان نما را رویت کنیم بعد از آن عکسی است که پایازین عکاس دوره قاجار تهیه کرده و احتمال داده ایم عکس مربوط به سال ۱۸۸۷ میلادی باشد و در این زمان کاخ هنوز جنبه کاربردی داشته است و از نکات مهم این عکس حوض جلوی کاخ است که نخستین حوض خیابان چهارباغ است. همچنین عکسی در آلبوم ظل السلطان است که شرحی در زیر آن آمده است و ظل السلطان از این کاخ بسیار تعریف کرده است و این بنا را به شیخ بهایی نسبت داده است که بنظر اشتباه می آید و آخرین تصویر تصویر مربوط به فردریش سار است باستان شناس آلمانی که در آخرین دوره ای که در اصفهان بوده چند عکس از این کاخ تهیه کرده است و به طور خاص از کاشیکاری ضلع غربی عکسی

تهیه کرده است و در کاشیکاری های این بخش علاوه بر نقوش اسلیمی نقوش انسانی نیز به چشم میخورد از این بخش کاخ تصویر دیگری نیز توسط تامسون نیز عکسبرداری شده است. از بین نقشه های کاخ جهان نما می توانیم به نقشه پاسکال کوست اشاره کنیم که مربوط به سال ۱۸۴۰ میلادی است که کاخ را با شماره ۳۷ در ابتدای خیابان چهارباغ نمایش می دهد. پاسکال کوست نقشه خوبی از خیابان چهارباغ تهیه کرده است که در آن محل حوض های خیابان چهارباغ و وردی های خیابان چهارباغ بخوبی نمایش داده شده است. در نقشه سرهنگ چریکوف که در سال ۱۸۵۱ تهیه شده است نیز محل کاخ در ابتدای خیابان چهارباغ نمایش داده شده است.

محوطه کاخ چیزی در حدود ۵۰۰ متر و سعت دارد و از ۵۰۰ متر چیزی در حدود ۳۰۰ متر مربع در حدود ۴ ماه در عمق های مختلف منفی ۳۰ سانتیمتر تا منفی ۷ متر را مورد کاوش قرار دادیم. برای آنکه شناخت بهتری نسبت به محوطه مورد کاوش داشته باشیم من آن را به سه قسمت تقسیم کردم. قسمت میانی که شواهد خود کاخ جهان نما از آن به دست آمد، قسمت جنوبی که ما شاهد نخستین حوض خیابان چهارباغ در آن هستیم و قسمت شمالی که شواهدی مربوط به یک قهوه خانه بازمانده از دوره قاجار در آن هستیم.

در قسمت مرکزی کاخ ما توانستیم ۸ پایه از پایه های کاخ را پیدا کنیم، ۴ پایه در قسمت شرقی و ۴ پایه در قسمت غربی به دست آمده و بخشی از کف کاخ در قسمت شمالی هم شناسایی شد و بر اساس پایه های به دست آمده ما مطمئن هستیم که طول کاخ ۱۶/۶ متر بوده است. پایه های به دست آمده همگی در یک راستا هستند تنها با اختلافی در حدود ۲۰ سانتی متر و تقریباً همگی روبرو هم هستند، جنس پایه ها همگی سنگ و آجر غرق در ملات هستند و بر اساس آزمایش دانه بندی که روی آنها انجام شده است همگی این ستون ها از یک جنس هستند و این نشان دهنده آن است که ملات ها در یک زمان ساخته شده اند. اگر فواصل پایه ها را چه در مناطق جنوبی و غربی چه شمالی و شرقی با تصاویر آقای پایازی مقایسه کنیم می بینیم که فواصل در تصاویر با نتایج کاوش های ما برابر هستند، بر اساس اسناد تاریخی برای ما مشخص شد که این کاخ ارتفاعی حدود ۱۷/۵ متر داشته و عرض آن چیزی در حدود ۱۶/۵ تا ۱۷ متر بوده و مطمئن هستیم این کاخ به شکل مربع بوده است و بخشی از این کاخ امروزه زیر آسفالت های خیابان چهارباغ است.

در کاوش های انجام گرفته دو پایه در غرب کاخ بود که خصوصياتی متفاوت با ساير پایه های داشت یکی از این اختلافات ارتفاع پایه نسبت به بقیه پایه ها بود و نقطه شروع آنها پایین تر از بقیه پایه ها بود و ارتفاع آنها بیشتر از ساير پایه ها بود همچنین سنگ و آجر بکار رفته در این پایه ها از نظر جنس با بقیه پایه ها فرق داشت و در این دو نمونه ما شاهد ملات آبی هستیم از داده های به دست آمده در این قسمت میتوان به سفالینه های مربوط به دوران پیش از صفویه اشاره کرد سفالینه های خاص لعابدار. همچنین در کنار یکی از پایه ها در عمق منفی ۴/۴ شواهدی از یک اجاق گاز به دست آمد که نشانگر یک کف قدیمی تر از صفوی در این قسمت است. یک اثر مهم دیگر که در این قسمت داریم چاهی است که در بین دو پایه اجرا شده است بنظر میرسد این سازه در ابتدا کاربری چاه نداشته است اما بعدا به عنوان چاه از آن استفاده شده است، ما موفق شدیم این چاه را تا عمق منفی ۷ متر مورد کاوش قرار دهیم و مشخص شد در این چاه دیواری است سنگی آجری در عمق منفی ۳ متر تا عمق منفی ۷ متر زیر زمین اجرا شده با طاقی به عرض ۴/۲ متر را به وجود آورده است. ما یکی از آجرهای این چاه را برای سالیابی مورد آزمایش قرار دادیم که نتیجه نشان داد آجر مربوط به سال ۱۵۸۰ سال قبل است یعنی اواخر دوره ساسانی.

متاسفانه در قسمت میانی کارگاه ما داده شاخصی به دست نیاوردیم زیرا شهرداری سعی داشت درخت هایی که در این منطقه وجود دارد را بدون آسیب و به طور سالم از خاک خارج کند از این رو در این منطقه تا عمق ۲ متری دچار به هم ریختگی و آشفستگی هستیم. همچنین انتظار میرفت در این قسمت مانند ساير کاخ های صفوی موفق به کشف یک حوض شویم که طی کاوش ها با چنین سازه ای مواجه نشدیم تنها در شمالی ترین بخش توانستیم بخشی از کف کاخ را کشف کنیم و در این قسمت ما یک چاه، یک حوضچه سنگی و یک کانال داریم که بنظر میرسد برای شستشو و تمیز شدن قبل از ورود به خیابان چهارباغ استفاده می شده است. در بین داده های منقول ما تنوع بسیار جالبی از کاشی های هفت رنگ داریم که مربوط به همان دوره شاه عباس است. نقوش کاشی ها بیشتر نقوش اسلیمی است و ما تنها در قسمت شرقی و غربی کاشی هایی با نقوش انسانی داریم.

تنوع جالبی از سفالینه های دوره صفوی داشتیم سفالینه های مینایی، سفال لعاب پاشیده، سفال با نقش اسکرافیاتو نیز در بین داده های کاوش بود و نمونه سفالینه های با تکنیک

نقاشی زیر لعاب که بنظر میرسد این یک تکنیک محلی است زیرا در جاهای دیگر شاهد این سبک نیستیم. در بین سفالینه های به دست آمده سفالینه هایی بود که از نظر ظاهری مشخص بود متعلق به بازه زمانی دیگری است و در آزمایش های سالیابی مشخص شد که این سفالینه ها مربوط به ۲۸۶۰ سال پیش است یعنی نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد و نمونه های دیگری نیز داشتیم که متعلق به دوره صفویه و یا حتی قبل از دوره اسلام است و این خود اهمیت و قدمت دشت اصفهان را نشان می دهد که تاریخی پیش از اسلام داشته است.

از دیگر داده های منقول نقاشی هایی است که روی گچ صورت گرفته است و مرتبط با تزیینات داخلی کاخ است. اسکندر بیک ترکمان در تاریخ عالم آرا بیان می کند ساختمان های چهارباغ با رنگ های لاجورد و اخرا و طلا تزیین شده اند و ما با آزمایشات مختلف روی این نمونه ها توانستیم وجود این عناصر را به اثبات برسانیم.

در قسمت جنوب کاخ جهان نما شواهدی از اولین حوض خیابان چهارباغ و آبخاری که آب از آن داخل حوض می شده است و کانالی که آب داخل حوض از آن خارج می شده را به دست آورده ایم.

شاردن حوض های مربوط به این کاخ را خیلی خوب توصیف کرده است بخصوص نخستین حوض را، و ابعادی که ما از این کاوش به دست آوردیم با ابعادی که در توصیفات شاردن به چشم میخورد کاملاً مطابقت دارد. در نقشه پاسکال کوست نیز وجود حوض نشان داده شده است همچنین در تصاویری که توسط پاپازین تهیه شده است ما می توانیم وجود حوض را مشاهده کنیم. دو بخش شرقی و غربی حوض به دلیل رد شدن تاسیسات شهری از این دو قسمت تخریب شده اند اما خود حوض با ابعاد ۳ در ۳ مشخص است این حوض دارای دو کف است که به نظر می رسد برا جلوگیری از نفوذ آب باشد در قسمت شرقی حوض ما موفق به کشف دو لوله دو تنبوشه شدیم که بنظر می رسد معادل آن در قسمت غربی هم وجود داشته که امروزه به واسطه اعمال شهرسازی از بین رفته است. هم چنین شاهد فضای آبخارمانندی هستیم که آب را به داخل حوض هدایت می کرده است و شاردن به طور خاص به وجود آبخارها اشاره کرده است این آبخار به صورت پلکانی بوده است.

داده های به دست آمده از این قسمت شامل کاشی های به کار رفته در کاخ است همچنین تعداد زیادی جوش کوره یا سه پایه پخت سفال از این قسمت به دست آمده است و بنظر می

رسد در دوره قاجار که این حوض کاربری خود را از دست داده است با این ضایعات پر شده است ما چیزی در حدود ۲۵۰ کیلو جوش کوره از این قسمت به دست آورده ایم در دوره قاجار در کنار کاخ کوره سفال پزی قرار داشته است و. شاید این ضایعات متعلق به این کارگاه بوده است. در نهایت بخش نهایی کاخ که شمالی ترین قسمت کاخ می شود که از این محل شواهد یک قهوه خانه متعلق به دوره قاجار را به دست آوردیم ساخت این قهوه خانه بسیار ساده بوده است دیوارهای چینه ای و در برخی جاها با پوششی نازک از گچ. از داده های به دست آمده از این قسمت می توانیم به نمونه های سری قلیان، نمونه های وافور و نمونه های چپق اشاره کنیم. از دیگر داده های شاخص به دست آمده در این قسمت می توانیم به کوزه قلیان های سفالی اشاره کنیم که جز سفالینه های رنگی متعلق به دوره قاجار می باشند این سفالینه ها ساخت اصفهان و نطنز می باشند و از نکات جالب و قابل توجه این است که در سه نمونه شاهد امضا شخصی به نام ابراهیم معصوم زاده هستیم که ایشان شخصی از خاندان معروف سفالگر دوره قاجار می باشند که نامشان در منابع ذکر شده و فرزند ایشان عباس تا ده سال پیش به این شغل مشغول بود. در کاوش های بخش شمالی ما موفق به کشف دیواری سنگی به عرض ۸۰ سانتی متر و طول ۶ متر شدیم که بنظر میرسد بخشی از راه شاهی است که متعلق به دوران صفوی است در کورویکی های کانفر این دیوار به موازات خیابان باغ گلدسته می باشد ملات استفاده شده در ساخت دیوار با سایر بخش های کاخ هماهنگی دارد و اهمیت دیگر این دیوار این است که دیوار به مجاورت باروی قدیمی اصفهان که متعلق به دوره آل بویه است ساخته شده است. داده های به دست آمده در این قسمت شامل سفالینه های فاخر سفید و آبی است که هم ساخت ایران است هم چین. بعضی از سفالینه ها امضا دار هستند همچنین در بین داده ها بوته ذوب فلز کشف شده که از جنس سفال است و بر طبق آزمایش های انجام شده برای ذوب آهن از آن استفاده می شده است. دو ازاره سنگی بسیار بزرگ نیز به طول ۱/۲۵ نیز در این قسمت کشف شده است که هنوز کاربرد آنها مشخص نشده و بنظر می رسد از زاره های ورودی دروازه دولت بوده است.

در کاوش های خود نمونه های استخوانی را برای شناخت گونه های جانوری مورد آزمایش قرار دادیم و ۱۳۰۰ نمونه به دست آمده را مورد آزمایش قرار دادیم بیشتر نمونه ها مربوط به قهوه خانه بخش شمالی بود و استخوان هایی که به واسطه پخت غذا در آنجا جمع شده بود

و عمدتاً نمونه های گوسفند و بز بودند از نمونه های جالب به دست آمده استخوان شتر دو کوهان بود که متعلق به منطقه اصفهان نیستند همچنین نمونه های گراز و سگ نیز در بین داده های به دست آمده جالب توجه بودند.

خاک های این منطقه نیز برای شناسایی گونه های گیاهی مورد شناور سازی قرار گرفتند. سیاحان اروپایی به وجود گل های فراوان و درختان و درختچه ها در این منطقه بسیار اشاره کرده اند که طبق آزمایش های انجام شده وجود درخت سپیدار و بید در این منطقه به اثبات رسیده است.

با همکاری سازمان میراث فرهنگی اصفهان و تهران این منطقه با شماره ۳۶۴۸۸ به ثبت ملی رسیده است.

کاخ جهان نما با همت سازمان نوسازی و به سازی به بازدید عموم گذاشته شده است.